ادامه از صفحه ۴

حمله به سفارت عربستان و قراردادهای نفتی

خب! در این هنگامه‌ای که رقابت بر سر جذاب نشان‌دادن محیط کسب‌وکار نفت بین ایران و عربستان شکل گرفته بود، ما چه کردیم؟ سعودی‌ها چه کردند؟

به موازات جدی‌ترشدن شرکت نفت در اجرای قراردادهای جدید، دلواپسان و مخالفان دولت با داعیه اینکه این قراردادها خیانت به کشور است، جنجال سیاسی گسترده‌ای علیه این قراردادها به‌پا کردند، (بدون توجه به شرایط رقابت با رقبایی مانند قطر و عربستان) حد و مرز انتقادها در محدوده خیانت و ضربه تاریخی و قراردادهایی بدتر از دارسی بود.

رسما مدیران نفت باید اول ثابت می‌کردند ایران‌دوست هستند، بعد مسلمان و بعد شیعه اثنی‌عشری و اینکه در انقلاب چه زحمت‌هایی کشیدند و اصلا از سابقه و روزگارشان برنمی‌آید که به کشور خیانت کنند، بلکه مصالح کلی کشور را در نفت و گاز دقیق بررسی کردند و با چشم‌اندازهای سرمایه‌گذاری و قیمت‌های نفت و گاز دست به این حرکت زدند تا نئون‌های جذابیت ایران را پس از یک دهه و طی‌کردن دوران سخت تحریم، دوباره روشن کنند.

این در حالی است که رقبا همیشه چراغ‌های سرمایه‌پذیری‌شان سبز بوده و در همکاری با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی هیچ مشکلی نداشتند و دست به هر ایده‌ای که خواستند زدند، اما همین پوسته تازه قراردادی این‌قدر پس از برجام برای کشور جذابیت و موقعیت ایجاد کرده بود که سعودی‌ها از پوسته سنتی خود و حفظ سهام آرامکو با هر شرایط و تقدیری دست برداشتند و حاضر به عرضه آن شدند. ائتلاف زاکانی، بذرپاش و میرکاظمی و شرکای دیگر از سویی بیلبوردهای تهران را علیه برجام تغذیه محتوایی می‌کردند، از طرفی هم محتوا و معنای تولیدشده در آنجا را به نفت می‌کشاندند و عرصه را عرصه خیانت و رذالت می‌کردند.

این جریان با توجه به اینکه انتخابات مجلس در جریان بود، تا حدودی فهمیدنی بود چه‌بسا که بعد از انتخابات هم فتیله این نقدها فروکش کرد، اما حمله ۱۲ دی‌ماه همان تفکر به سفارت عربستان، دیگر ربطی به انتخابات مجلس نداشت.

بارها گفته شده است که حمله به سفارت عربستان بدترین شکل دفاع از شیخ شهید و عزیز بود، چراکه عربستان در ساعت‌های اولیه به‌شدت از سوی نهادهای بین‌المللی محکوم شد و روند این محکومیت به جاهای خوبی در حال سیر بود که حمله به سفارت، سعودی‌ها را مظلوم ماجرا کرد و درواقع نجات داد، اما مهم‌تر اینکه، این حمله به سفارت سعودی‌ها یک پنجره ویترین سرمایه‌پذیری کشور را شکست؛ شکستنی که ترمیم آن سال‌ها زمان می‌برد. این پنجره شکسته پیام گزنده‌ای داشت.

در ایران یک دسته و گروه هستند که به تشخیص خود خدمت- خیانت را تعیین می‌کنند و بنا بر این تشخیص به هر نوع اقدامی که لازم باشد دست می‌زنند. ازجمله حمله به سفارت که خاک همان کشور محسوب می‌شود.

خب! تحلیلگر و مشاور سرمایه‌گذار و بیمه‌های حامی توتال یا شل یا بی‌پی یا استات‌اویل بعد از این اتفاق قرار است چه گزارشی به رؤسای خود بدهند؟ یک درگیری ساده بین دو کشور؟ رقابتی داغ بین سعودی‌ها و ایرانی‌ها؟ نه، پیام خیلی روشن و ضد منافع ایران بود.

ایران جایی نیست که به پیمان و معاهده‌های بین‌المللی پایبند باشد و بر سر اختلافی امکان اینکه منافع یک سرمایه‌گذار خارجی مورد تعرض قرار گیرد بالاست. این پیام حمله به سفارت عربستان بود که بیشتر از همه دامن نفت را گرفت. چون آنجاست که صحبت‌های سرمایه‌گذاری میلیارددلاری است و حفاظت از سرمایه و پوشش امنیتی آن، مهم‌تر.

از مهر ۹۴ تا مهر ۹۵ بهترین فرصت برای بستن یک قرارداد خوب و بزرگ نفتی بود. رقابت‌های انتخاباتی مجلس و حمله به سفارت عربستان، هر دو، این فرصت یک‌ساله را از نفت گرفتند؛ فرصتی که به انتخابات آمریکا و روی‌کارآمدن ترامپ ختم شد.

این پنجره شکسته در روابط اقتصادی ایران به عدد و رقم و آمار نمی‌آید. باید خاطرات دیپلمات‌ها را شنید و خواند. باید از مذاکره‌کنندگان نفتی پرسید که کدام قرارداد و کدام پروژه در آستانه امضا بود و چه شد. این ضربات یک حمله است که امروز مانند خیلی از اتفاقات دیگر شناسنامه‌ای ندارد و اصلا کسی از آن دفاع نمی‌کند، اما مشخص است که کدام جریان و کدام کاندیدای امروز، حامی آنها بود.

تولیدکنندگان محتوای همان بیلبوردهای ضدبرجام و خیانت‌یابان قراردادهای نفتی جالب است که امروز از وزیر نفت می‌پرسند که چرا یک قرارداد بزرگ نبسته است. چقدر زود فراموش می‌کنند. چقدر کم‌حافظه. هنوز پنجره شکسته حمله به سفارت عربستان تعمیر و ترمیم نشده است و سعودی‌ها از این پاس توی عرض، گل‌ها می‌زنند. حداقل فرصت دهید این پنجره‌ها ترمیم شوند.

قرار نیست پول وعده‌های کاندیداها از مریخ بیاید

ادامه از صفحه ۵

اکنون که با چنین شعارهای افراطی‌ای مواجهیم، چه کار باید کرد؟

براساس این ملاحظات، باید نهادهای نظارتی و به‌خصوص مجلس شورای اسلامی در جست‌وجوی راهکارهایی برمی‌آمدند که راه را بر خرید محبوبیت از طریق فروش آینده ایران ببندند. یعنی اینها باید برنامه‌هایی تهیه کرده باشند و وعده‌هایشان مبتنی بر پیوست کارشناسی باشد که حداقل سه نهاد کارشناسی مستقل و تخصصی، بر قابل عمل‌بودن آن صحه می‌گذاشتند. متأسفانه با وجود آنکه کشور آن هزینه‌های سنگین را در دوره ۸۴ تا ۹۲ پرداخت، قوه مقننه ما هنوز چنین فکری نکرده است. بنابراین به امید اینکه پس از پایان‌یافتن این انتخابات راهی برای آن مسئله باز شود، به نظرم چاره‌ای نیست جز اینکه تا روز انتخابات رسانه‌ها برخورد فعال‌تری داشته باشند و نهادهای نظارتی هم از طریق اختیاراتی که دارند، هشدارهای لازم را بدهند.

به نظر شما چه شد که پس از گذشت چهار سال روند تقریبا کارشناسی از سوی دولت و تغییر رویه نسبت به دولت‌های نهم و دهم، بستر برای این شعارها باز هم فراهم شد؟

به نظرم به دولت آقای روحانی این انتقاد وارد است که بهای آن ولنگاری‌ها و عوام‌فریبی‌ها را برای نظام تصمیم‌گیری و عامه مردم به صورت سازمان‌یافته و رسمی آشکار نکرد. الان به وضوح مشاهده می‌کنیم که اسناد مشخصی درون دولت وجود دارد که هرکدام از آنها گوشه‌هایی از این فاجعه‌های انسانی و اجتماعی و محیط‌زیستی را به نمایش می‌گذارد. برای مثال در مهرماه سال ۱۳۹۲ وزارت جهاد کشاورزی گزارشی منتشر کرده که نشان می‌دهد دقیقا از زمان واردشدن شوک به قیمت حامل‌های انرژی که مبنای اصلی این ایده شوم و سفله‌پرورانه، پرداخت نقدی بود، میزان استفاده از هیزم برای نیازهای سوختی در کشور ۶۰ درصد افزایش پیدا کرده و به سمت یکی از سریع‌ترین تجربه‌های جنگل‌زدایی در کشورمان حرکت کرده‌ایم. گزارش وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید در همین دوره میزان استفاده از بوته‌های کنده‌شده هم صددرصد رشد کرده. یعنی در همین دوره کوتاه از دی ماه ۱۳۸۹ تا شهریور ۱۳۹۲ با بی‌سابقه‌ترین و پرسرعت‌ترین بیابان‌زایی در کشورمان در کنار جنگل‌زدایی‌ها روبه‌رو بوده‌ایم. شبیه به این مسئله درباره هزینه‌های سلامت هم اتفاق افتاده. گزارش‌های رسمی وزارت بهداشت نشان می‌دهد درحالی‌که تا پایان سال ۱۳۸۸ هرساله یک درصد جمعیت ایران فقط به‌واسطه هزینه‌های کمرشکن درمان به زیر خط فقر می‌افتادند، این نسبت در سال ۹۲ به بیش از پنج برابر خودش رسیده و به نظرم طرح تحول سلامتی که دولت آقای روحانی به اجرا درآورد، گرچه اشکالات بسیار جدی و بحران‌ساز داشته، اما این در واکنش به درک درستی بود که از آن بحران فاجعه‌آفرین در حیطه سلامت بر اثر ندانم‌کاری‌های دولت قبلی پدیدار شده بود. بنابراین یک مسئله اساسی این است که در این فرصت کوتاه تلاش کنیم با برخورد فعال کارشناسی این عوام‌فریبی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها را مهار کنیم اما این کفایت نمی‌کند و باید هر دولتی که انتخاب شد بلافاصله با کمک مجلس فکری نهادمند و پیشگیرانه برای این مسئله کند. یک وجه دیگر این عوام‌فریبی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها این است که همه میراث‌های ارزشمند عقیدتی و اجتماعی هم در این کشور ملعبه جلب رأی شده. اینکه از خداوند مایه گذاشته می‌شود، از امام زمان و امام رضا تا شهید بهشتی مایه گذاشته شود و از این قبیل. شاید اصولی‌ترین راه در این زمینه این است کسانی که می‌خواهند چنین نسبت‌هایی را به خودشان بدهند، باید ملزم شوند گزارشی ارائه دهند که در گذشته خودشان در وجه اندیشه‌ای و عملی، از چه زاویه‌هایی چه شباهتی به این مواریث ارزشمند عقیدتی و اندیشه‌ای کشور دارند و این‌طور نباشد که یک روز با بد دفاع‌کردن از انتسابی که به شهید رجایی داده شده بود، روح شهید رجایی را آزار دهند و الان کلاس کار را بالاتر برده. به نظرم در این زمینه باید مشخص شود که مرز استفاده ابزاری از این مواریث عقیدتی کجاست؟! مسئله بسیار مهم دیگری که به نظرم حائز اهمیت است، این است که قاعده‌ای هم باید گذاشته شود که رویه‌های مبتنی بر ستیز را کمی آرام کنند و وجه اندیشه‌ای و خردورزانه و اخلاقی به آن بدهند. با همه اوصافی که در مقیاس جهانی درباره رئیس‌جمهور جدید آمریکا مطرح شده، ترتیبات نهادی آمریکا به‌گونه‌ای بود که او ناگزیر بود بخشی از اظهاراتش را به ذکر صریح برخی ویژگی‌های مثبت رقیب خودش اختصاص دهد یعنی آنها می‌فهمند دامن‌زدن به مناسبات مبتنی بر ستیز به ضرر همگان تمام می‌شود. می‌خواهم بگویم با هر مبنا و معیار و ارزشی که کاندیداهای رقیب به آن باور دارند، در دوره چهارساله گذشته کارهای مثبت بسیار خارق‌العاده‌ای شده. اینها نباید این دستاوردهای ملی را قربانی مطامع رانتی، باندی و جناحی کنند.

فارغ از شعارهای پوپولیستی، با بی‌برنامگی کاندیداها چه باید کرد؟

در این زمینه باید از کاندیداها خواسته شود که مسائل اصلی کشور را از نظر خودشان مطرح کنند. از طریق ارائه یک برنامه قابل دفاع کارشناسی، هم حس ملی نسبت به آن مسائل ایجاد کنند و هم احساس مسئولیت همگانی را برانگیزند. الان متأسفانه مسابقه‌ها دقیقا در جهت عکس این مسیر در حرکت است. از طرفی در دوره فعلی به نظر می‌رسد رقابتی نابرابر وجود دارد بین کسی که کارنامه چهارساله مشخص دارد و کسانی که هیچ‌کدام در این حیطه کارنامه‌ای نداشته‌اند. بدون تردید باید این کارنامه چهار ساله بر محور وعده‌ها و عملکردها ارزیابی شود و هرچه این ارزیابی مبتنی بر اخلاق و علم و کارشناسی و سختگیرانه‌تر باشد به نفع کشور است. اما از برخورد ناجوانمردانه و هتاکانه باید جلوگیری شود.

عکس: امیر جدیدی، شرق

اما چنین مسائلی چندان قابل درک بین مردم نیست...

به نظرم این‌طور نیست. مردم خیلی خوب متوجه می‌شوند. انصافا از موضع یک کارشناس توسعه می‌گویم که مردم ایران بلوغ فکری سطح بالایی را از خودشان نشان دادند که در دوره‌های تاریخی گذشته شاهد نبودیم. در دور قبلی آقای روحانی تقریبا به‌صورت اصولی، ایده‌آل هیچ‌یک از طیف‌های مختلف جامعه نبود. ولی اینها در برابر آن رویه مألوف تاریخی که ما را در استاندارد یک ساخت توسعه‌نیافته جامعه همه یا هیچ تعریف می‌کرد، دیدید که مردم چون همه آنچه می‌خواستند حاصل نمی‌شد، از حق انتخاب خودشان صرف‌نظر نکردند و در بین کسانی که بودند، انصافا خیرالموجودین را انتخاب کردند. این امر نشان می‌دهد برایند درک عمومی، روندی رو به بالا دارد. آنچه من مشاهده می‌کنم این است و راه‌حلم این است که کاندیداهای دیگر باید موظف شوند، گرچه هیچ‌کدام مسئولیت ریاست‌جمهوری را نداشتند؛ اما در حیطه مسئولیت‌های اجرائی که داشتند گزارش منصفانه و صادقانه بدهند.

اگر بخواهیم جزئی‌تر به کاندیداها نگاه کنیم، آقای قالیباف، شعارهایی می‌دهد که با عملکرد او در شهرداری هم‌خوانی ندارد. این خود آسیب‌زا نیست؟

آقایی که مسئولیت شهرداری داشته، باید به‌طور مشخص موظف شود درباره شهر تهران و عملکردی که داشته، گزارش کارشناسانه و صادقانه بدهد. اگر این مسئله واقعیت داشته باشد که شیوه اداره شهر تهران به‌گونه‌ای بوده که اساس کسب درآمد بر هنجارشکنی استوار شده بوده و قرار باشد این رویه در سطح کل کشور تعمیم داده شود، برای آینده کشور خطرناک است. اگر تمرکز اصلی سیستم کسب درآمد در شهرداری روی خلاف‌فروشی باشد، معلوم است با تعمیم این رویه کشور در معرض چه مسائلی قرار می‌گیرد. مشابه این مسئله در مورد عملکرد ایشان در زمینه گسترش و تعمیق نابرابری‌ها باید مطرح شود. چند وقت پیش در یکی از گزارش‌های رسمی منتشرشده، نشان داده شد بر اثر سیاست‌های غلط شهرداری تهران در بالغ بر ۱۰ سال گذشته که به جریان افتاده، نابرابری‌ها بین مناطق ابعاد بی‌سابقه‌ای پیدا کرده و درحالی‌که در زمینه درآمد از نظر قانون، سقف نابرابری قابل تحمل در جمهوری اسلامی حداکثر یک به هفت بوده، با رویه‌های شهرداری تهران، سهل‌گیرانه‌ترین استانداردها شکاف بین ارزان‌ترین و گران‌ترین مسکن‌ها در تهران، بیش از یک به ۳۷۵ گزارش شده است. یعنی با نابرابری‌های کمرشکنی روبه‌رو هستیم. اگر مثلا در سال‌های ۹۲-۱۳۸۴ درحالی‌که شهرداری منابع کافی در اختیار داشته، بیشترین اهتمام را به کارهای نمایشی مثل اتوبان‌سازی اختصاص داده باشد و در مقابل آن از مواردی مثل مترو که یک ابزار حمل‌ونقل عادلانه‌تر و عمومی‌تر است، کوتاهی کرده باشد باید تک‌تک اینها مشخص شود.

براساس این ملاحظات، باید نهادهای نظارتی و به‌خصوص مجلس در جست‌وجوی راهکارهایی برمی‌آمدند که راه را بر خرید محبوبیت از طریق فروش آینده ایران ببندند. یعنی اینها باید برنامه‌هایی تهیه کرده باشند و وعده‌هایشان مبتنی بر پیوست کارشناسی باشد که حداقل سه نهاد کارشناسی مستقل و تخصصی، بر قابل عمل‌بودن آن صحه می‌گذاشتند

کارنامه رقیب دیگر را که او هم کم از این شعارهای پوپولیستی نمی‌دهد چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کاندیدای گرامی‌دیگری در قوه قضائیه بودند که باید کارنامه‌شان را به‌طور مشخص در سه حیطه سرنوشت‌ساز امنیت حقوق مالکیت، سطح پاکدامنی و موفقیت در زمینه مبارزه با فساد و بالاخره امنیت انسانی برای شهروندان ارائه کنند. در چارچوب آن گزارش‌ها باید این داوری و سنجش انجام شود. کسی که در حیطه‌ای بیش از ۱۰ سال مسئولیت داشته باید این ارزیابی به شکل اصولی امکان‌پذیر باشد تا قضاوت و داوری مردم درباره او منصفانه و مبتنی بر آگاهی و شفافیت باشد.

اگر روند حاکم بر کشور در بعد ریاست‌جمهوری تغییر کند و صاحبان این شعارها، گرداننده کشور شوند، با توجه به سطح تحریم‌هایی که تجربه کردیم و فشار بالای اقتصادی آنها، چه خطراتی در حوزه بین‌الملل ما را تهدید می‌کند؟

یک جمله معروف از یکی از بزرگ‌ترین استراتژیست‌های جهان اشتهار دارد که مضمون آن درهم‌تنیدگی سرنوشت کنترل‌کنندگان پول در مقیاس جهانی با کنترل‌کنندگان جهان است. همه ما می‌دانیم که به محض روی کار آمدن ترامپ، وحشتی همه دنیا را گرفته و آن هم این است که حامی‌های اصلی این آقا، جنگ‌افروزها هستند. بنابراین مسئله خطر جنگ‌افروزی از ناحیه آمریکا در اینجا و آنجای جهان، مسئله بسیار جدی و مهمی است. بهانه‌گیری‌هایی که الان آمریکایی‌ها از کره شمالی و چین دارند، به‌عنوان یک نمونه کوچک از این مسئله مطرح است. منطقه ما هم یکی از آشوبناک‌ترین مناطق جهان است، حتی قبل از اینکه ترامپ بر سر کار آمده باشد هم این‌گونه بود. بر اثر سیاست‌های ایران‌هراسانه واقعا غیرقابل دفاع دولت قبلی، گزارش‌های رسمی‌که در استاندارد بین‌المللی منتشر شده نشان می‌دهد در فاصله سال ۲۰۰۰ تا امروز، در حاشیه جنوبی خلیج فارس بیش از ۷۰۰میلیارد دلار سلاح خریده شده. به نظر من جا داشت و دارد که با مشارکت شورای امنیت ملی، به طور مشخص از کاندیداهای این دوره خواسته شود با توجه به شرایط مورد اشاره، به ما بگویند که چگونه کشور را از آتش درگیرشدن در جنگ‌های احتمالی مصونیت می‌بخشند. به نظرم این یکی از حیاتی‌ترین نیازها برای بقا و توسعه ملی در کشور ماست. بدون تردید شورای امنیت ملی در این زمینه کارهایی کرده و تدابیری اندیشیده، ولی ارائه دیدگاه و تحلیل اشخاصی در مقام کاندیدای ریاست بر قوه‌مجریه، می‌تواند به یک مطالبه ملی و شهروندی جدی تبدیل شود که از آنها خواسته شود بگویند چه الگوی سیاست خارجی‌ای را در پیش می‌گیرند و چه برنامه‌هایی دارند که از وقوع چنین پدیده ناگواری برای ایران جلوگیری کنند. از منظر اقتصاد سیاسی می‌دانیم که جنگ درحالی‌که برای اکثریت جامعه و کل کشور خانمان‌سوز است، برای گروه‌هایی ممکن است منافعی هم در بر داشته باشد. باید بگویند با گروه‌های ذی‌نفع در جنگ‌افروزی در داخل چه مناسباتی را برقرار خواهند کرد. به نظرم اگر چنین مطالبه‌های مشخصی در کادری مشخص مطرح و از کاندیداها خواسته شود به جای دادن وعده‌های نابودکننده کشور به این سمت حرکت کنند، می‌توانیم انتخابات به معنای دقیق کلمه ملی داشته باشیم. اگر چنین اتفاقی نیفتد، حداقل چیزی که می‌توانیم از دولت فعلی بخواهیم این است که در همین زمان باقی‌مانده، یک تصویر جامع از میزان هزینه‌هایی که مردم، بنگاه‌های تولیدی و مالیه دولت از آن پرداخت نقدی ۴۵هزار و ۵۰۰ تومانی ارائه کند و گزارشی از پرداخت سالانه بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار به‌عنوان هزینه مبادله ناشی از ایران‌هراسی که محصول هیاهوها و سخنان نسنجیده و پوچ است، ارائه کند.

خیلی‌ها چنین کاری را تبلیغاتی حساب می‌کنند.

اگر روندی را که گفتم داشته باشد؛ یعنی نهادهای معتبر کارشناسی روی آن صحه گذاشته باشند، می‌شود در برابر این خطر مصونیت ایجاد کرد. اگر نهادهای نظارتی ما به صورت یکپارچه، آگاهی سیستمی از هزینه‌های فاجعه‌آمیز آن تجربه داشته باشند، شاید مدعی‌العموم به خودش حق می‌داد که از موضع حقوق عمومی اجازه این فرصت‌طلبی‌های غیرعادی را ندهد و آنها را با موازین قضائی سر جای خود بنشاند و اجازه ندهد در حیطه‌های دیگر هم این نوع فرصت‌طلبی‌ها میدان و مجالی پیدا کند. به‌عنوان کارشناس کوچک توسعه در ایران صمیمانه می‌گویم ایران دیگر تاب تحمل پرداخت این‌گونه هزینه‌ها را ندارد و ما به اندازه کافی تا ۲۵ سال آینده گروگان سیاست‌های این‌چنینی در دوره دولت قبلی هستیم. همگی کمک کنند که یک انتخابات شرافتمندانه و عادلانه داشته باشیم که به جای دادن وعده‌های تحقیرآمیز به مردم آنها را برانگیزد که برای خودشان و حل و فصل مسائل و مشکلات حاد و خطیر کشور مسئولیت تعریف کنند و توضیح دهند که چگونه از طریق برنامه‌های مسئولانه از این ظرفیت‌های انسانی و مادی کشور برای برون‌رفت از چالش‌های موجود استفاده می‌کنند.

اشاره کردید نظارت درحال‌حاضر آن‌قدر قوی نیست که هشدارهای لازم را بدهد. چرا؟

در یک اقتصاد توسعه‌نیافته رانتی در زمینه زیربنایی‌ترین عنصر توسعه‌بخش یعنی ظرفیت‌های توسعه‌ای با شرایط و وضعیتی به شکل یکی از فاجعه‌آمیزترین ظرفیت‌های سازمانی در بازار اقتصاد و سیاست روبه‌رو هستیم. الان بخش بزرگی از نظریه‌پردازان توسعه اتفاق نظر دارند که ظرفیت‌های سازمانی نه امکان شکل‌گیری یکباره دارد و نه می‌توان آن را از خارج وارد کرد. بنابراین به صورت تدریجی باید در داخل انباشته شود. اینکه گفتم اگر کسی در دستگاه‌های نظارتی بوده باید گزارشی دهد که چرا کشور ما تا این حد با بحران امنیت حقوق مالکیت روبه‌روست، به این خاطر است که گزارش‌های رسمی می‌گوید بیش از ۹۰ درصد بنگاه‌های اقتصادی موجود در ایران بنگاه‌های یک‌نفره هستند که نماد اوج‌گیری بی‌سابقه ناامنی در حقوق مالکیت است. محاسبات ما در یک رساله نشان می‌داد درحالی‌که هر کارفرما در سال ۱۳۳۵ بیش از ۳۰ کارگر را تحت پوشش داشته در سال ۱۳۹۰ این نسبت به کمتر از ۱۰ سقوط کرده. یعنی اوضاع حقوق مالکیت در ایران نیازمند برخورد فعال و ژرف‌کاوانه است و عنصر کلیدی در این زمینه هم طرز عمل دستگاه‌های نظارتی است. ضعف‌های خیلی اساسی داریم و وقتی رقابت‌ها به جای اینکه معطوف به حل‌وفصل مسائل بنیادی باشد، در کانال‌های دیگر می‌افتد، همه متضرر می‌شویم. بنابراین باید فعلا از تشکل‌های مدنی موجود بخواهیم که کارنامه کاندیداها را ارائه کنند. باید کسی اینها را بیدار کند که متوجه شوند دوران نفت ۱۴۰دلاری گذشته و ما دچار شرایط پیچیده مالی هستیم. هرکس می‌خواهد به کشور کمک کند، باید بگوید چطور هزینه‌های دولت را کاهش می‌دهد نه اینکه بار مالی جدید بر گردن دولت بگذارد. به نظرم بهترین گواه برای این مسئله سند لایحه بودجه سال ۹۶ است. مرکز پژوهش‌های مجلس به مناسبت انتشار لایحه مطالعه بسیار جذابی انجام داد که نشان داده بود توانایی دولت برای اداره امور حاکمیتی به طرز فاجعه‌آمیزی سقوط کرده. یعنی دولت قادر نیست از عهده مسئولیت‌های خودش در زمینه امور حاکمیتی برآید. بانک جهانی گزارشی منتشر کرد که نسبت هزینه‌های دولت در امور حاکمیتی به تولید ناخالص داخلی در ایران به کمتر از ۲۰ درصد سقوط کرده و در مطالعه بانک جهانی نشان داده شده بود ایران از نظر مسئولیت‌شناسی در زمینه امور حاکمیتی از انتهای جدول کشورهای جهان، رتبه دهم را دارد. یعنی در دنیا فقط ۹ کشور با وضعیت بدتر از ایران هستند. اینکه من می‌گویم دولت سهل‌انگاری کرده که این واقعیت‌ها را به زبان کارشناسی مطرح می‌کند، با توجه به این واقعیت‌ها معنی‌دار می‌شود؛ مرکز پژوهش‌های مجلس بررسی کرده که در کادر این بودجه توان مالی دولت برای اینکه مثلا در زمینه حیاتی محیط زیست و هوا تخصیص منابع بدهد، به ازای هر شهروند ایرانی فقط شش‌هزار و ۵۰۰ تومان در سال می‌تواند هزینه کند. یعنی از این نظر وضعیت خیلی پیچیده‌ای داریم. مرکز پژوهش‌ها مشخص کرده بود برای هر ایرانی در زمینه اعتلای صنعت و معدن، سقف توانایی دولت این است که ۱۲ هزار تومان در یک سال خرج کند. یعنی ماهی هزار تومان. این توانایی برای حمایت از بخش کشاورزی از صنعت و معدن بدتر است. در زمینه سلامت سقف توانایی دولت ۶۰۰ هزار تومان در سال است. در این دولت با این توان مالی، هرکس بخواهد مسئول کشور شود بسیار مسئولیت کمرشکن و خطرناکی خواهد بود. به نظرم باید زمانی می‌گذاشتند تا بحث‌های جدی‌تری در این زمینه صورت می‌گرفت. مثلا درحالی‌که کشور با بحران مسکن تهیدستان روبه‌روست، توانایی مالی دولت در زمینه مسکن و عمران برای هر ایرانی در سال ۸۰ هزار تومان است. این در حالی است که بودجه کسری نداشته باشد و صددرصد تحقق پیدا کند. چیزی که در ربع‌قرن گذشته اتفاق نیفتاده است. به این مسئله حیاتی توجه نمی‌شود. اگر کسی خیرخواه ملت و کشور است، باید بگوید چطور هزینه‌های غیرضروری را کاهش خواهد داد نه اینکه مسابقه دهند که چه کسی بیشتر بار مالی به کشور تحمیل می‌کند.

علت اینکه این اتفاقات به مرور بدتر می‌شود چیست؟

علت دامن‌زدن بر مناسبات مبتنی بر حذف و ستیز است. در این صورت کسی به سمت سازندگی و اعتلابخشی حرکت نمی‌کند و برای به‌دست‌آوردن رانت به صورت هم چنگ می‌اندازند.

خبر

لغو قرارداد فرانسوی‌ها برای ساخت ترمینال فرودگاه امام

● **ایلنا:** قائم‌مقام وزیر راه‌وشهرسازی با بیان اینکه در سه ماه گذشته، ایران به دلیل بدقولی‌های شرکت فرانسوی، تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری در فرودگاه امام را با این شرکت خارجی لغو کرد، گفت: لغو این تفاهم‌نامه از سوی ایران، ارتباطی به تحریم‌های بانکی نداشت و شرکت فرانسوی نتوانست در موعد مقرر مسئولیت‌های خود را اجرائی کند. اصغر فخریه‌کاشان با بیان اینکه لغو تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری شرکت فرانسوی در فرودگاه امام ارتباطی به تحریم‌های بانکی نداشت، اظهار کرد: طرف ایرانی این تفاهم‌نامه را لغو کرده است، آن هم به این دلیل که شرکت فرانسوی نتوانست در موعد مقرر وظایف خود را انجام دهد. وی با تأکید بر اینکه این موضوع به سه ماه قبل برمی‌گردد، ادامه داد: برخی از رسانه‌ها باید از خواب خرگوشی بیدار شوند. این مقام مسئول گفت: اگر پیشنهاد فرانسوی‌ها برای سرمایه‌گذاری در فرودگاه امام را قبول می‌کردیم یک سال بعد مسائل مربوط به حوزه بانک مطرح می‌شد و این لغو تفاهم‌نامه از سوی ایران هیچ ارتباطی به تحریم‌های بانکی نداشت. فخریه‌کاشان با بیان اینکه این شرکت فرانسوی باید طرح‌ها، نتیجه مطالعات و نقشه‌های خود را در موعد مقرر به شرکت مشاور هلندی ناکو ارائه می‌داد که در انجام این مسئولیت خود ناتوان ماند، ادامه داد: پس از لغو این تفاهم‌نامه، شرکت ناکو به‌سرعت فراخوانی منتشر کرد که ده‌ها شرکت از کشورهای خارجی در آن حضور یافتند و به‌زودی از بین آنها شرکتی را که صلاحیت دارد انتخاب خواهیم کرد.

آتش‌سوزی در مجتمع پتروشیمی رجال مهار شد

● حادثه آتش‌سوزی در مخزن کاتالیست مجتمع پتروشیمی رجال مهار شد. به گزارش شرکت ملی پتروشیمی، سخنگوی کمیته بحران سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی اظهار کرد: در ساعت ۱۱:۳۵ امروز مخزن کاتالیست تری اتیل آلومینیوم پتروشیمی رجال دچار آتش‌سوزی شد که با حضور نیروهای آتش‌نشانی منطقه و همکاران HSE حریق در مدت‌زمانی کوتاه مهار شد. وی افزود: در این آتش‌سوزی ۱۰ نفر دچار سوختگی شدند که چهار نفر به صورت سطحی مداوا و شش نفر نیز به بیمارستان نفت ماهشهر منتقل شدند.

پای کاسپین به نامه‌نگاری مجلس و دادستانی باز شد

● **مهر:** با وجود اعتراض چندین‌وچندباره سپرده‌گذاران کاسپین به بانک مرکزی، اکنون پای این پرونده به مجلس شورای اسلامی و دادستانی هم باز و نامه‌نگاری آغاز شده است. با وجود اعتراض چندین‌وچندباره سپرده‌گذاران کاسپین، نمایندگان مجلس هم به جمع این معترضان پیوسته‌اند و نادر قاضی‌پور، نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی، هم به‌عنوان معترض اصلی، در نامه‌ای به علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، خواستار رسیدگی به این موضوع از طریق دادستانی شده است. اکنون، محمد جعفری، رئیس دفتر علی لاریجانی، در نامه‌ای به عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان استان تهران، خواستار رسیدگی به این پرونده شده است، بنابراین به نظر می‌رسد، فصل جدیدی از رسیدگی به پرونده مبهم مؤسسه مالی و اعتباری آغاز شده است.

عوارض آزادراه تهران- شمال سنگین خواهد بود

● **مهر:** مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای کشور از احتمال اخذ عوارض جاده‌ای سنگین از خودروهای عبوری از قطعه یک آزادراه تهران ـ شمال پس از پایان ساخت آن خبر داد. خیرالله خادمی، مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور، از عوارض صدهزارتومانی برای این آزادراه خبر داده و گفته بود: مشکل این آزادراه این است که مشارکتی است و سرمایه‌گذار با توجه به حجم منابع مالی‌ای که در اجرای این طرح هزینه کرده، باید صد هزار تومان از هر خودرو عبوری عوارض اخذ کند، ولی می‌داند که نمی‌تواند چنین پولی را از مردم دریافت کند.

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی

شماره مجوز: ۵۳۸/ ۱۳۹۶

نوبت دوم

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به انجام ارزیابی کیفی جهت خرید/تامین کالای مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی دومرحله ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکتهایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در فراخوان ارزیابی کیفی دعوت بعمل می آید.

۱. شماره مناقصه: FLS -9330030
۲. موضوع مناقصه: ولو
۳. آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی ۵ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم
۴. آخرین مهلت ارائه پیشنهادات متقاضیان ۱۴ روز از تاریخ آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی می باشد.
۵. توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال در صورت کسب حداقل امتیاز قابل قبول
۶. متقاضیان می توانند مدارک ارزیابی کیفی را در روز آگهی نوبت اول از سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOOC.CO.IR بخش مناقصات تهیه نمایند.
۷. متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با کارشناس پرونده به شماره ۲۳۹۴۲۶۱۹-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.
۸. محل ارسال پیشنهادات: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از مسجد بلال، نرسیده به تقاطع مدرس، خیابان خاکزاد، پلاک ۱۲، طبقه ۹، اتاق ۱۶-۹، کمیسیون مناقصات.
۹. مناقصه گرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۵در مناقصات مشابه (در حدود مناقصه حاضر) توسط شرکت نفت فلات قاره ایران ارزیابی و حداقل امتیاز لازم را کسب نموده اند، نیازی به ارائه مجدد مدارک و فرم ارزیابی نداشته و صرف اعلام آمادگی کتبی آنها در موعد مقرر جهت شرکت در مناقصه کفایت می کند.

تکمیل جداول ارزیابی الزامی می باشد عدم تکمیل جداول منجر به رد کیفی پیشنهاد دهندگان میگردد.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران